

نویسنده: تیموتی الکساندر گوزمن (Timoty Alexander Guzman).
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2022-11-23».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

ارتباط ایالات متحده و نازی ها از زمان جنگ جهانی دوم: از الهام بخشیدن به رایش سوم تا حمایت از نئونازی های اوکراین

The US Nazi connection since world war Two from
inspiring the third Reich to supporting the Neo-Nazis
of **Ukrain**



ما فیای واشنگتن، لندن، بروکسل و تل آویو هر کاری انجام می دهند تا پروژه «نظم جهانی تک قطبی» خود را حفظ کنند، در واقع، ما فی حال ناامیدی هستند تا قدرت های باقی مانده را حفظ کنند، حتی اگر به معنای همکاری با آن باشد بدترین دشمنان ضرب المثل باستانی معروفی وجود دارد که «دشمن دشمن من دوست من است» که امروزه صدق می کند، به ویژه از زمانی که واشنگتن، سیاه، مجتمع نظامی-صنعتی، همراه با **موساد و ناتو** از تروریست های معروف از جمله **دولت اسلامی** حمایت کرده اند. (داعش)، القاعده و سایر گروه ها برای سرنگونی دولت هایی که آنها را نمی پسندند، به ویژه در خاور میانه.

با این حال، حمایت آنها از تروریست هایی که زمانی دشمن آنها بودند، با جنگ های تغییر رژیم آنها علیه سوریه یا لیبی شروع نشد، ایده حمایت از دشمنان آن در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن آغاز شد، زمانی که دولت ایالات متحده نازی های اوکراینی را برای مقابله با آنها استخدام کرد. دشمن جدید آنها، اتحاد جماهیر شوروی. چه چرخش عجیبی است که بدانیم شوروی هایی که در طول جنگ با نازی ها با متحدان آمریکایی و اروپایی خود می جنگیدند به عنوان یک تهدید جدید تلقی می شدند. واشنگتن و بقیه گروه های مافیایی آنها در آن زمان از نازی ها استفاده می کردند، همانطور که آنها امروز از تروریست های جهادی در جنگ خود برای تسلط بر جهان استفاده می کنند، صرف نظر از هزینه های دراز مدت.

هزینه ها در بلند مدت چقدر است؟

بنا بر این نازی ها چه کسانی بودند و چرا واشنگتن در وهله اول به استخدام آنها علاقه داشت؟ برای شروع ویا رویهمرفته، نازی ها دارای اعضایی بودند که در چندین رشته علمی و فناوری که دولت ایالات متحده به آنها علاقه مند بود، درگیر بودند. یاکه اشتغال داشتند و بعداً از آنها برای تولید انواع سلاحهای جنگی و عملیات روانی برای عملیات نظامی آینده خود استفاده می کرد، اما ما در اینجا به جزئیات بیشتر آن خواهیم پرداخت.

به زودی با این حال، نازی ها از یک ایدئولوژی فاشیستی راست افراطی که اقتدارگرا بود و همزمان با اصول ملی گرایان افراطی که هرچ و مرج یا انرشی، کمونیسم، دموکراسی، جمهوری خواهی، سوسیالیسم و سایر اشکال حکومت رادمی کردند چونکه همچو حکومت به عنوان تهدید پدید برای قدرت در حال رشد آنها تلقی می شد، پیروی می کردند. و هر چقدر هم که این دیوانه به نظر برسد، نازی ها همچنین از نژاد پرستی علمی یا آنچه می توانیم اصلاح نژادی نامید برای دستکاری مخزن های ژنی انسان با جدا کردن گروه های خاصی از مردم بین افرادی که پست تر از پیشروی آنهایی که برتر تلقی می شوند، استفاده کردند. سپس عنصر یهود ستیزی است که در رایش سوم رایج بود. نازیسم منجر به نسل کشی، شکنجه، عقیم سازی اجباری، زندانی کردن مخالفان، تبعید و سایر قساوت ها در میان کسانی شده است که با وجهه یک افراط ناسیونالیست نبودند، به ویژه اگر ویژگی های نژادی را که آنها برای جنبش خود می خواستند نداشتند.

اگر به تاریخ فاشیسم نگاه کنیم، ریشه های آن در اروپا بود، زمانی که لویی-ناپلئون بناپارت «معروف به ناپلئون سوم» از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۲ با مثنی آهین بر فرانسه حکومت کرد و عناصر یک دولت فاشیست / نازی را داشت.

نابودی وحشی های سرخ توسط آمریکا الهام بخش آدولف هیتلر بود.

آدولف هیتلر، صدراعظم انتصابی آلمان، با به قدرت رسیدن در 30 ژانویه 1933، رهبری تحمیل سیاست های فاشیستی در کشورش را بر عهده گرفت. متحدان **هیتلر** همچنین به عنوان اتحاد محور، **بنیتو موسولینی** از ایتالیا و **هیرو هیتو** از امپراتوری ژاپن سیاست های مشابهی داشتند.

بنابراین، این نوع ایدئولوژی از چه چیزی الهام گرفته شده است؟ یعنی که نازی ها از کجا این ایدئولوژی را الهام گرفتند؟

این یک واقعیت شناخته شده است که **آدولف هیتلر** شیوه های برخورد آمریکا با گروه های خاص را در تاریخ کوتاه خود از قوانین **جیم کرو** [شخصیت جیم کرو یک شخصیت تئاتر است - که توسط

توماس دی رایس (1808-1860) توسعه و محبوبیت یافت - و تصویری نژادپرستانه از آفریقایی-آمریکایی ها و فرهنگ آنها است. رایس این شخصیت را بر اساس یک شیا د عامیانه به نام جیم کرو استوار کرد که مدتها در میان بردگان سیاهپوست محبوب بود. [1] رایس همچنین یک آهنگ سنتی برده به نام "Jump Jim Crow" (1828) را اقتباس و رایج کرد [2]. این شخصیت به طور معمول لباس های ژنده پوش می پوشد و کلاه تخت و کفش های پاره می پوشد. رایس آرایش سیاه صورت از چوب پنبه سوخته را روی صورت و دستانش زد [3] و نقش یک دست میدانی آفریقایی آمریکایی بسپار زیرک و بی احترام را نشان داد که آواز می خواند: « بیابید گوش کنید، بچه ها و پسر ها، من می خواهم کمی آواز بخوانم. آهنگ، اسم من جیم کرو است. توسط این قلم] علیه آمریکایی های آفریقایی تبار گرفته تا جمعیت های بومی که در طول جنگ های سرخپوستان به اردوگاه های زندان فرستاده شده بودند، تحسین می کرد.

هتلر مفهوم (تصور کلی) از اردوگاه های کار اجباری و همچنین عملی بودن نسل کشی مدیون مطالعات او در مورد تاریخ انگلیس و ایالات متحده است " و " او اردوگاه های **زندانیان بوئر** در آفریقای جنوبی و هندی ها را تحسین می کرد. غرب وحشی؛ و اغلب در محافل داخلی خود از کارآمدی نابودی وحشی های سرخ که با اسارت رام نمی شدند - با گرسنگی و نبردهای نابرابر توسط آمریکا ستایش می کرد.

بنابراین، چه زمانی ایده "اردوگاه کار اجباری" به مرحله اجرا درآمد؟ در زمان رئیس جمهور و دموکرات ایالات متحده، **اندرو جکسون** بود که "مخاک های مهاجرت" را به عنوان بخشی از قانون حذف هندی ها در سال 1830 معرفی کرد که در آن ده ها هزار نفر از مردم بومی به آنچه "اردوگاه های زندان" نامیده می شد مجبور شدند و آنها شامل سمنولز، چروکی، Choctaw، Muscogee، و دیگر کشورهای قبیلله ای عمدتاً در بخش جنوبی ایالات متحده و شامل **آلاباما و تسیسی** یکی دیگر از عناصری که نشان می دهد چگونه الگوی حکومتی ایالات متحده بر آلمان نازی تأثیر گذاشت، قوانین **جیم کرو** بود. **جیمز کیو ویتمن**، محقق حقوقی و نویسنده "مدل آمریکایی هتلر: ایالات متحده و ایجاد قانون نژادی نازی" مقدمه ای در مورد نحوه نگرش نازی ها به قوانین نژادی آمریکا نوشت:

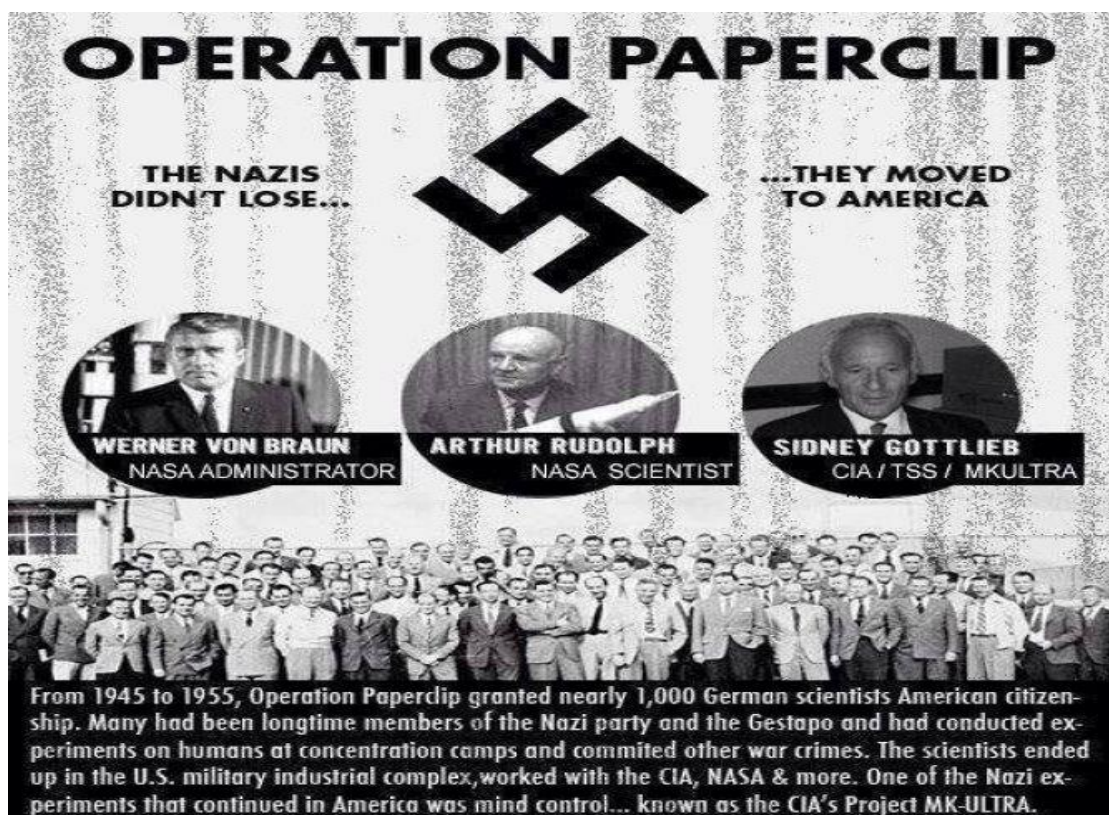
سیا ممکن است در حال ایجاد ترور نازی در اوکراین باشد.

در دقایق ابتدایی، **گورتنر**، وزیر دادگستری یادداشتی در مورد قوانین نژادی آمریکا ارائه کرد که به دقت توسط مقامات وزارتخانه برای اهداف گردهمایی تهیه شده بود و شرکت کنندگان در جریان بحث های خود بارها به مدل های آمریکایی قوانین نژادپرستانه بازگشتند. کشف اینکه رادیکالترین نازی های حاضر سرسخت ترین قهرمانان درس هایی بودند که رویکردهای آمریکایی برای آلمان داشتند، به ویژه شگفت آور است. هماهنگی که خواهیم دید، در این متن تنها سابقه درگیری نازی ها با قوانین نژادی آمریکا نیست. در اواخر دهه 1920 و اوایل دهه 1930، بسیاری از نازی ها، به ویژه **خود هتلر**، قوانین نژادپرستانه ایالات متحده را جدی گرفتند. در واقع، **هیتلر** در کمپ من، آمریکا را به عنوان «دولتی واحد» ستایش کرد که به سوی ایجاد نظم نژادپرستانه سالمی از آن نوع که قوانین **نورنبرگ** در نظر گرفته شده بود، پیشرفت کرده بود. **سیا** ممکن است در حال ایجاد ترور نازی در اوکراین باشد.

عملیات کاغذ سنجاق شده: چرا دولت ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم نازی ها را به خدمت گرفت؟

Operation Paperclip: Why the US Government Recruited Nazis After WWII

شایعه جنگ هسته ای امروز بیش از هر زمان دیگری از زمان حمله روسیه به اوکراین شایع شده است. بازیگر اوکراین، او، بیخشید، منظورم رئیس جمهور بود، **ولودیمیر زلنسکی** خواستار "حملات پیشگیرانه" برای بازدارندگی روسیه از استفاده از سلاح های هسته ای شده است، اگرچه او مدت کوتاهی پس از این ادعاها عقب نشینی کرد، اما او خواستار ضربه زدن غرب به روسیه با سلاح های هسته ای شد. برای اقدامات پیشگیرانه که لفاظی بسیار خطرناکی بود که از دهان او بیرون می آمد. وقتی صحبت از سلاح های هسته ای شد، آیا می دانید در وهله اول چه کسی ایده قرار دادن بمب هسته ای روی موشک های بالستیک را مطرح کرد؟ این ایده ای بود که از دانشمندان موشکی نازی گرفته شد که توسط دولت ایالات متحده در طول جنگ جهانی دوم استخدام شدند. برنامه اولیه Uranprojekt یا "پروژه اورانیوم" با هدف توسعه فناوری هسته ای برای ساخت سلاح و راکتور نامیده شد.



در سال های آخر جنگ جهانی دوم، سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده و مجتمع نظامی-صنعتی، مخفیانه بیش از 1600 دانشمند نازی و خانواده هایشان را که در زمینه های مختلف از جمله علم موشک، آیرودینامیک، سلاح های شیمیایی و پزشکی متخصص بودند، از آلمان منتقل کردند. که آنرا عملیات گیره کاغذ نامیدند. نازی هایی بودند که برای ارتش ایالات متحده کار می کردند و همچنین گزارش های اطلاعاتی را تهیه می کردند که باعث ایجاد ترس و وحشت می شد که شوروی قرار است جهان را تسخیر کند که بیش از حد اغراق آمیز بود. اما آنچه که دولت ایالات متحده بیش از همه از

آن می‌ترسید این بود که اتحاد جماهیر شوروی تحت عملیات **اوساویاخیم** با بیش از 2500 دانشمند و مهندس نازی سابق که در منطقه اشغال شده شوروی آلمان (SBZ) و بخش شوروی برلین استخدام شده بودند، یک قدم جلوتر از ارتش باشد می‌اندیشید. لذا دولت ایالات متحده در توسعه تسلیحات و سایر زمینه‌ها میخواست یکتاز باشد.

یکی از واقعیت‌های تاریخی مهم در مورد دانشمندان نازی آمریکا، **استخدام ورنر فون براون** یا با نام کامل وی به نام **ورنر مگنوس ماکسیمیلیان فراهرفون براون** بود که یکی از اعضای حزب نازی و **آلگما پین اس اس** یا "اس اس ژنرال" بود. شاخه‌ای از نیروهای شبه نظامی آلمان نازی. **ورنر فون براون** همچنین رئیس توسعه فناوری موشکی بود که پیشگام فناوری موشکی و فضایی در ایالات متحده محسوب می‌شود. او همچنین معمار اصلی وسیله نقلیه پرتاب فوق سنگین Saturn V بود که ظاهراً به پرتاب فضا پیمای **آپولو** به ماه کمک کرد. دانشمندان نازی همچنین به دولت ایالات متحده و سازمان **سیا** در توسعه برنامه‌های تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی کمک کردند که شامل استفاده از **گاز سارین** و سایر سلاح‌های جنگی خطرناک از جمله VX (عامل اعصاب) و البته پرکاربردترین سلاح بیولوژیکی در طول جنگ ویتنام، عامل بود. نارنجی. بنابراین، به عبارت دیگر، دولت ایالات متحده

دانشمندان نازی را برای دانش آنها در زمینه ایجاد سلاح‌های کشتار جمعی که از آن زمان تاکنون به جمعیت‌های مختلف در سراسر جهان آسیب وارد کرده است، استخدام کرد. در طول جنگ ویتنام، ارتش ایالات متحده عامل نارنجی [Agent Orange] را بر روی جمعیت ویتنامی پرتاب کرد که باعث شد بیش از 3 میلیون نفر تا به امروز دچار نقص مادرزادی و سایر مشکلات مربوط به سلامت شوند. دانشمندان نازی در واقع نابغه‌های بدی بودند که به توسعه سلاح‌های جنگی پیشرفته می‌رسیدند و یاکه به ساخت همچو سلاح‌ها دسترسی داشتند و این چیزی بود که ارتش ایالات متحده و جامعه اطلاعاتی صرفاً به آن علاقه داشتند و این فکر ترسناک بود و هنوز هم که هست.

فرانکشتاین آمریکا: نئونازی‌های اوکراین:

همانطور که از درس‌های ارزشمند تاریخ می‌دانیم که دولت ایالات متحده و سازمان **سیا** از سال 1946 نازی‌های اوکراینی را حمایت و آموزش داده بودند. اروپا و سایر مناطق برای کمک به ملی‌گرایان اوکراینی که برای بی‌ثبات کردن اوکراین شوروی با عملیات‌های مخفی مانند استفاده از کماندوها برای ترور مقامات شوروی، خرابکاری در زیرساخت‌ها و ارتکاب اقدامات تروریستی اعزام شده بودند.

تاریخچه دولت ایالات متحده و مأموران **سیا** آن نشان می‌دهد که از **استفان باندرای** جنا پیکار جنگی اوکراینی برای پیشبرد جنبش زیرزمینی اوکراین برای بی‌ثبات کردن اوکراین شوروی حمایت می‌کرد، بنا بر این **سیا** و دفتر هماهنگی سیاست آنها (OPC) و دفتر عملیات ویژه (OSO) عملیات‌های مخفی را با OUN-B برنامه‌ریزی کرد و از ارتش شورشی اوکراین ضد شوروی (UPA) برای جنگ روانی در حوزه نفوذ شوروی حمایت کرد. **سیا** گزارش تاریخی خود را از ارتباط خود با ملی‌گرایان اوکراینی که در طول جنگ سرد با نازی‌ها همکاری می‌کردند در «متفقین در جنگ سرد: ریشه‌های رابطه سیا با ملی‌گرایان اوکراینی» نوشته **کوین سی رافنر** از طبقه بندی خارج کرد. با

اوکراینی‌ها و دیگران برای اقدام مخفیانه علیه کمونیست‌ها و به‌عنوان دارایی‌های دوران جنگ برای استفاده در پشت خطوط ارتش سرخ به عنوان چریک‌ها، خرابکاران و رهبران مقاومت.» گزارش تاریخی فراتر رفت و بیان کرد که «سوابق جنگی گاه وحشیانه بسیاری از گروه‌های مهاجر با انتقاد بیشتر برای سیا مبهم می‌شد.»

به سرعت تا نوامبر 2013، اعتراضات گسترده‌ای به نام **یورومیدان** علیه سیاست‌های رئیس‌جمهور **ویکتور یانوکوویچ** که تصمیم به برقراری روابط نزدیک‌تر با روسیه و اتحادیه اقتصادی **اوراسیا** به جای ادامه دادن با ایده داشتن یک سیاست سیاسی گرفت، وجود داشت. و روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا با رد توافق تجارت آزاد آنها. سپس در فوریه 2014، آنچه به عنوان انقلاب میدان شناخته می‌شود رخ داد که به درگیری‌های خشونت‌آمیز بین معترضان و نیروهای امنیتی دولت در پایتخت اوکراین، کیف منجر شد که منجر به کودتا علیه رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک، **ویکتور یانوکوویچ** شد. بلافاصله پس از آن، جنگ روسیه و اوکراین آغاز شد و تولد گردان آزوف با الهام از نئونازی‌ها تأسیس شد زیرا آنها به مقاومت در برابر هر چیزی روسی تبدیل شدند.

در 22 جنوری سال جاری، **یاهو نیوز** که بخشی از رسانه‌های جریان اصلی است، مقاله‌ای با عنوان «شبه نظامیان اوکراینی آموزش دیده توسط **سیا** ممکن است نقش مرکزی را در صورت حمله روسیه ایفا کنند» منتشر کرد، اساساً اعتراف کرد که **سیا** از سال 2015 به طور مخفیانه به نیروهای اوکراینی آموزش می‌داد:

در حالی که این برنامه مخفی که توسط شبه نظامیان **سیا** کار می‌کنند - که اکنون به طور رسمی به عنوان وزارت زمینی شناخته می‌شود - اداره می‌شود، پس از حمله روسیه به کریمه و الحاق آن به کریمه در سال 2014 توسط **دولت اوپاما** ایجاد شد و در دولت **ترامپ** گسترش یافت، **دولت بایدن** بیش از این گسترش یافته است. یک مقام ارشد اطلاعاتی سابق در تماس با همکارانش در دولت گفت که آن را افزایش داد.

به گزارش **یاهو نیوز**، یک مقام ارشد اطلاعاتی سابق که نامش فاش نشد، گفت: «اگر روس‌ها حمله کنند، آن [فارغ التحصیلان برنامه‌های **سیا**] شبه نظامیان شما، رهبران شورشی شما خواهند بود» و «ما اکنون به این افراد آموزش می‌دهیم. به مدت هشت سال آنها واقعا مبارزان خوبی هستند. اینجا است که برنامه آژانس می‌تواند تأثیر جدی داشته باشد.» باید تعجب کرد که واقعا چند نفر از **نئونازی‌های** رادیکال شده بودند.

در سال 2018، رویترز تفسیری از جاش کوهن را با عنوان «مشکل نئونازی‌های اوکراین» منتشر کرد که مشکل اوکراین را با نازی‌ها در پر کردن صفوف شبه نظامیان ملی توضیح می‌دهد. کوهن گفت که در «تظاهرات 28 ژانویه، در کیف، توسط 600 عضو به اصطلاح «شبه نظامیان ملی»، یک گروه ملی‌گرای افراطی تازه تأسیس که قول داده است «از زور برای برقراری نظم

استفاده کند»، این تهدید را نشان می‌دهد. کوهن افزود که شبه نظامیان ملی اعضای گردان آزوف وابسته به نازی‌ها را استخدام کرده است :

بسیاری از اعضای شبه نظامی ملی از جنبش آزوف، یکی از 30 «گردان داوطلب» با بودجه خصوصی هستند که در روزهای اولیه جنگ، به ارتش منظم کمک کردند تا از خاک اوکراین در برابر نیروهای نیابتی جدایی طلب روسیه دفاع کند. اگرچه آزوف از نماندهای دوران نازی‌ها استفاده می‌کند و نئونازی‌ها را در صفوف خود استخدام می‌کند، مقاله اخیر در فارین افرز خطرات احتمالی این گروه را کم اهمیت جلوه می‌دهد و اشاره می‌کند که آزوف، مانند سایر شبه نظامیان داوطلب، از طریق ادغام در آن "لنگ" شده است. نیروهای مسلح اوکراین در حالی که درست است که شبه نظامیان خصوصی دیگر بر جبهه جنگ حکومت نمی‌کنند، این جبهه داخلی است که کیف باید اکنون نگران آن باشد .

کوهن آشکارا روایت رسانه‌های اصلی را دنبال می‌کند که گفت پوتین کریمه را تصرف کرد که در واقع این مردم کریمه روسی زبان بودند که در همه پرسشی به اتحاد مجدد با فدراسیون روسیه رای دادند. اما کوهن به اعتبار خود به این واقعیت اشاره می‌کند که گردان آزوف و بخش راست از زمانی که با جدایی طلبان مورد حمایت روسیه می‌جنگیدند مورد احترام قرار می‌گیرند. کوهن همچنین به اردوهای آموزشی کودکان گردان آزوف اشاره کرد :

زمانی که چهار سال پیش ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، کریمه را تصرف کرد، برای اولین بار وضعیت نابسامان نیروهای مسلح اوکراین را آشکار کرد، شبه نظامیان دست راستی مانند آزوف و بخش راست وارد این شکاف شدند و از جدایی طلبان مورد حمایت روسیه دفاع کردند در حالی که ارتش عادی اوکراین دوباره سازماندهی شد. اگرچه، در نتیجه، بسیاری از اوکراینی‌ها همچنان به شبه نظامیان با قدردانی و تحسین نگاه می‌کنند، اما گروه‌های افراطی‌تر در میان این گروه‌ها، ایدئولوژی نابردبار و غیرلیبرالی را ترویج می‌کنند که در درازمدت اوکراین را به خطر می‌اندازد. از زمان بحران کریمه، شبه نظامیان به طور رسمی در نیروهای مسلح اوکراین ادغام شده‌اند، اما برخی از آنها در برابر ادغام کامل مقاومت کرده‌اند: به عنوان مثال، آزوف، اردوگاه آموزشی کودکان خود را اداره می‌کند، و بخش مشاغل به افرادی که می‌خواهند از یک اردوگاه عادی به آزوف منتقل شوند، واحد نظامی آموزش می‌دهند .

اگرچه ادعاهای کوهن نئونازی‌های اوکراین را افشا می‌کند، او همچنین از نظام غربی و روایت رسانه‌های اصلی پیروی می‌کند که « ادعاهای کرملین مبنی بر اینکه اوکراین لانه شاخ‌های فاشیست‌ها است نادرست است: احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمانی گذشته اوکراین عملکرد ضعیفی داشتند، و اوکراینی‌ها با هشدار به تظاهرات شبه نظامیان ملی در کیف واکنش نشان دادند» که همگی دروغ است. اظهارات کوهن نادرست است، در واقع، زمانی که او در ابتدای مقاله خود نوشت که «اعضای شبه نظامیان ملی از جنبش آزوف استخدام شده‌اند» تناقض است، اما نگران نباشید زیرا آزوف از طریق ادغام آن در "لنگ" شده است. نیروهای مسلح اوکراین " حد اقل به گفته کوهن که

اطلاعات نادرست خود را از مجله فارین افرز که نشریه ای متعلق به شورای روابط خارجی است، منبع مورد علاقه تشکیلات سیاسی ایالات متحده است .

بنابراین، آیا دولت ایالات متحده، مجتمع نظامی-صنعتی و سیا از نئونازی‌های اوکراینی در تلاش‌های جنگی کنونی خود علیه روسیه حمایت می‌کنند؟ خب، جواب این سوال باید تا الان واضح باشد .

..... **با تقدیم احترامات** «2022-11-26»